

پیوند اعضای حیوان به انسان و حکم آن از دیدگاه اسلام

عبدالمومن رؤوفی^۱، محمد عارف نظری^۲

۱. پوهنوال، عبدالمومن رؤوفی، دیپارتمنت بیولوژی، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0009-0002-4702-7246> - abdulmomin.raufi@ju.edu.af

*۲. پوهنمل، دیپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان (نویسنده مسئول).

<https://orcid.org/0009-0007-7275-3553> - arifnazari406@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۸)

چکیده

دین مبین اسلام آخرین و کاملترین ادیان الهی بوده و بعد از این هیچ دینی برای بشریت نمی‌آید. بناءً اسلام احکام خویش را با در نظر داشت زمان، مکان و حالات مختلف مخاطبین وضع و در آن همواره نیک‌بختی دارین بشر را هدف قرار داده و با در نظر داشت مصلحت عموم مردم تنظیم و می‌خواهد در حالات عادی هرکس بدون مواجهه با مشقت تطبیق شود. تطورات و پیشرفت‌های روزافزون علوم طبیی افق‌های جدیدی را فرا روی بشر قرار داده و اعمال شیوه‌های نوین را در تداوی افراد امکان‌پذیر کرده است. یکی از مسائل نوظهور در عرصه طبابت امکان پیوند عضو حیوان به انسان است که با توجه به کمبود اعضای پیوندی می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات باشد. این مقاله با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع از منظر علوم طبیی و اسلامی پرداخته و با تحلیل و نقد مشکلات پیش‌رو به این نتیجه رسیده است که چنین راهکاری در تداوی افراد بلاشکال است. امروزه علم طب توانسته است با کشف برخی دواها و تحقیقات متعدد تا حد زیادی مشکلات این نوع پیوند را رفع نماید. از منظر فقهی رجوع به مفاد قاعده لاضرر و لا حرج و توجه به مدلول قاعده ضرورت و برخی دیگر از ادله شرعی و فقهی صدور جواز چنین عملی امکان‌پذیر است. گفتنی است چنین پیوندی از منظر اخلاق نیز اشکالی ندارد.

کلمات کلیدی: اسلام، انسان، پیوند عضو، حیوان، علوم طبیی.

Islamic Jurisprudential Perspectives on Xenotransplantation

Muhammad Arif NAZARI^{1*}, Abdulmomin RAOUFI²

1. Associate Prof. Department of Biology, Faculty of education, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

abdulmomin.raufi@ju.edu.af - <https://orcid.org/0009-0002-4702-7246>

2*. Senior Teaching Assistant, Department of Islamic Culture, Faculty of Sharia, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan (Corresponding Author).

arifnazari406@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0007-7275-3553>

(Received: 03/04/2024 - Accepted: 18/09/2024)

Abstract

The Noble Religion of Islam is the final and most complete divine religion, and no other religion will come after it. Therefore, Islam has established its rulings considering the time, place, and varying circumstances of its audience, always aiming for the well-being of humanity in both this world and the hereafter. Its rulings are designed with the general welfare of people in mind and seek to be implemented without causing undue hardship in ordinary situations. The continuous advancements in medical sciences have opened new horizons for humanity, making the application of innovative methods in treating individuals possible. One of the emerging issues in medicine is the transplantation of animal organs into humans, which, given the shortage of human donor organs, can address many challenges. This article, employing a descriptive-analytical research method and using a library-based approach for data collection, examines this issue from both medical and Islamic perspectives. By analyzing and critiquing the associated challenges, the study concludes that such a method is permissible for treating individuals. Modern medicine has largely resolved many of the challenges associated with this type of transplantation through the discovery of certain medications and extensive research. From a jurisprudential perspective, referencing principles such as "No harm, no hardship" (La Darar wa La Haraj), considering the rule of necessity (Qaidat al-Darurah), and other relevant legal and jurisprudential evidence, issuing permission for such an act is possible. It is also worth noting that such transplants raise no ethical objections.

Keywords: Islam, Human, Organ Transplantation, Animal, Medical Sciences.

مقدمه

دین مبین اسلام به حیث آخرین و کاملترین دین الهی می‌باشد و بعد از این هیچ دینی و پیامبری برای بشریت نمی‌آید. بناء اسلام قوانین و احکام خویش را با در نظر داشت زمان، مکان و حالات مختلف مخاطبین خویش و ضلع و در این احکام همواره نیک‌بختی دارین و نجات بشریت را هدف قرار داده است، قوانین خویش را با در نظر داشت مصلحت عموم مردم تنظیم نموده و خواستار آن شده که در حالات عادی هرکس بدون مواجه شدن با مشقت تطبیق نمایند، از سوی دیگر به اساس مقاصد خویش که به این، مقاصد شریعت نیز گفته می‌شود علی‌الرغم این همه وضاحت نظر به حالات و وضعیت خاص استثنا نیز قایل شده است. بدون شک یکی از مقاصد مهم شریعت هم همانا حفاظت جان می‌باشد که برای تحقق این هدف از فرائض و واجباتش نیز هر چند مؤقتی هم باشد تسامح نشان داده است.

در این مورد مثال‌های بارزی را می‌توان در قرآن کریم و احادیث نبوی پیدا کرد. از جمله آیه کریمه که خوردن بعضی از مواد خوراکی که به منسوبین خویش حرام می‌گرداند چنین می‌فرماید: {خُرِمَتْ عَلَيْكَ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخُزَيْرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمُتَوَدَّةُ وَالْمُتَرَدِّةُ وَالتَّالِيَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَحْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فُسْخُ الْيَوْمِ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاحْشَوْهُمْ الْيَوْمَ أَكَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ}. ترجمه: «گوشت مردار، خون، گوشت خوک، حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، حیوانات خفه شده، وبه زجر کشته شده، و آنها که از اثر پرت شدن بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده - مگر آنکه (بموقع به آن حیوان برسید، و) آن را سرببرید- و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می‌شوند، همه بر شما حرام شده است؛ و (همچنین) قسمت کردن حیوان به وسیله چوبه‌های تیر مخصوص بخت آزمائی؛ تمام این اعمال، فسق و گناه است- امروز کافران از زوال دین شما، مأیوس شدند؛ بنابر این، از آنها نترسید! و از مخالفت من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم- اما آنها که در حال گرسنگی، دستشان به غذای دیگر نرسد، و متمایل به گناه نباشند، (مانعی ندارد که از گوشت‌های ممنوعه بخورند)؛ خداوند، آمرزنده و مهربان است.» در این آیه مبارکه قسمی که دیده شد گوشت‌های حیوانات متذکره به گونه صریح ممنوع اعلان شده، اما برای حفظ جان و جلوگیری از اتلاف آن خوردن آن در وقت ضرورت و به اندازه ضرورت مباح گردانیده شده است.

بناءً دیده شد که با در نظر داشت وضعیت خاص و مستثنی در حالات ضرورت برای رسیدن به سلامتی که دیگر چاره جز به انتقال عضو حیوان تداوی نداشت می‌توان از آن استفاده کرد

که تفرعات موضوع در جای مناسبی خواهد آمد. برای رسیدن به سلامتی بدن نیز در عصر کنونی یکی از مسائل نوین در حوزه علوم طبی برداشت و پیوند عضو می‌باشد که امروزه از روش‌های رایج در تدایو بسیاری از مریضی به شمار می‌رود. سؤالات بی شماری در زمینه پیوند عضو مطرح است که فقهاء نمی‌توانند درباره آنها سکوت اختیار کنند؛ چرا که فقه باید پاسخگوی شماری از احکام مرتبط با پیوند اعضاء باشد؛ بنابراین ضروری است احکام این مسائل از متون فقهی استخراج گردد و به جامعه ارائه شود. به‌اساس تحقیقات انجام شده تخمین می‌گردد که شاید عمده‌ترین مشکل در اجرای پیوند عضو کمبود اعضای کافی برای پیوند باشد. این مسأله وقتی بیش‌تر به‌چشم می‌خورد و به معضل تبدیل می‌گردد که بسیاری از مریضان در اثر پیش‌رفت مریضان نتوانند مدت طولانی در لیست انتظار عضو پیوندی قرار گیرند و ادامه این وضعیت به از دست دادن جانشان منجر شود.

بنابراین ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا می‌توان به دنبال راه‌های جایگزین بود و برای مثال عضو حیوان را به بدن انسان پیوند زد؟ تحقیق هذا به دنبال یافته‌های جدید علوم طبی در این مورد بوده و این‌که در صورت پاسخ مثبت علوم طبی به این مسأله، آیا ادله شرعی نیز با این دیدگاه موافق است و انجام این عمل از منظردین مبین اسلام نیز جواز دارد؟ البته نا گفته نماند در این مورد آیات و احادیث متعدیدی وجود دارد که به حالات مشابیه روشنی می‌اندازد و حتی قواعد فقهی چون (الضرورات تبیح المحظورات) نیز به چنین موضوعات اشاره نموده دروازه‌های بیرون رفتی نشان داده است. همچنان هرچند محدود هم باشد بعضی مقالات نیز در این باره نگاشته شده است. به گونه مثال: صدیقه حاتمی و راضیه امینی که تحت عنوان پیوند عضو حیوان به انسان از منظر فقه و حقوق پزشکی نوشته اند، اما این مقاله کاملاً از منظر فقه جعفری موضوع را به بررسی گرفته است. اما ما در این مقاله خویش در روشنائی نظریات اهل سنت به بررسی خواهیم گرفت و به سؤالات مطروحه از دید علمای اهل سنت جواب دریافت خواهیم کرد. همچنان در این تحقیق برای جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه استفاده گردیده است.

الف: مفهوم پیوند عضو

پیوند یا به عبارتی «زرع» در لغت به معنای روییدن گیاه رویانیدن و افکندن دانه است (فیروز آبادی، ۱۹۹۸، ص. ۴). «عضو» نیز به معنای هر گوشت برآمده بر استخوان و به تعبیری هراستخوانی از بدن می‌باشد که گوشت بر آن فراهم شده است. (Peki, 1991, p. 61). به نظر می‌رسد منظور از «عضو» همان «جزء» است؛ ولی نه هر جزئی بلکه مراد جزئی می‌باشد که وظیفه مستقلی دارد.

پیوند عضو در اصطلاح عبارت است از برداشتن عضو معیوب یا ناکارآمد از بدن و جایگزین کردن آن با عضوی دیگر از بدن این عضو جایگزین شده می‌تواند از اعضای مصنوعی و همانند سازی شده نیز باشد (Peki, 1991, p. 63). شایان ذکر است که پیوند عضو، مختص اعضای جامد بدن است و شامل تزریق خون پلاسما و غیره نمی‌شود؛ هم‌چنین در عرف طبی اعمالی از قبیل جراحی‌های ترمیمی و پلاستیک پیوند عضو محسوب نمی‌شوند.

ب: منابع تأمین پیوند اعضا

بر اساس یک استقراء برداشت عضو و پیوند آن به انسان از سه فرض خارج نیست: پیوند عضو مصنوعی، پیوند عضو از انسانی به انسانی دیگر و پیوند عضو از حیوان به انسان.

۱. پیوند عضو مصنوعی

یکی از روش‌های جبران ناپذیر عضو طبیعی استفاده از اعضای مصنوعی است. این اعضا دو نوع هستند: الف- متحرک و قابل جداسازی از بدن. ب- ثابت و جاسازی شده در بدن.

به‌گونه مثال امروزه از پروتزهای قلب مصنوعی یا اجزای میخانیکی برای جایگزینی منفذهای درون قلب و لنزهای مصنوعی برای جاسازی در چشم مریضان استفاده می‌شود (Peki, 1991, p. 72). گفتنی است استفاده از این ابزار مصنوعی از منظر تمامی مذاهب اسلامی جایز است (Peki, 1991, p. 80). به جز مصنوعات از جنس طلا برای مردان با توجه به این موضوع که در شرع استفاده از طلا برایشان حرام است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ص. ۱۵۶).

۲. پیوند عضو از انسان به انسان

این پیوند خود به چند نوع تقسیم می‌گردد؛ به این دلیل که عضو پیوندی یا از بدن انسان زنده یا از انسان مرده برداشته می‌شود.

۱.۱. برداشت عضو از بدن انسان زنده: در این نوع، عضو پیوندی یا به صاحب عضو یا به انسان دیگر پیوند زده می‌شود. در صورت اول این پیوند یا بنا به ضرورت و معالجه اعضای آسیب دیده دیگر می‌باشد یا اینکه عضو پیوندی عضوی است که مستوجب حد یا قصاص بوده است و فرد با انجام پیوند می‌خواهد عضو مقطوع را به جای خود پیوند بزند. همچنین گاهی عضوی از انسان زنده برداشته می‌شود تا به انسان زنده دیگری پیوند زده شود. در این صورت نیز چند حالت وجود دارد برداشت عضو از کافر و پیوند آن به مسلمان برداشت عضو از مسلمان و پیوند آن به کافر پیوند عضو از مسلمانی به مسلمان دیگر و غیره

۱.۲. برداشت عضو از بدن انسان زنده: مرده در این صورت نیز حالاتی همچون مسأله پیشین مطرح است از قبیل پیوند عضو میت مسلمان به مسلمان دیگر پیوند عضو میت کافر به مسلمان و غیره، گفتنی است بررسی هر یک از فرضیه‌های گفته شده مجال و فرصت دیگری می‌طلبد و از هدف این نوشتار خارج است.

۳. پیوند عضو از حیوان به انسان

Xenotransplantation پیوند عضو از حیوان به انسان از مسائل نوظهور علوم طبی است. در این نوع پیوند عضو حیوان می‌تواند به گونه کامل جایگزین عضو انسانی شود یا تا وقتی که عضو انسانی برای پیوند فراهم گردد به طور مؤقت به کار گرفته شود. در قسمت بعد به بررسی تفصیلی این قسم از پیوند خواهیم پرداخت که موضوع تحقیق هذا می‌باشد.

ج: پیوند عضو حیوان به انسان از منظر علوم طبی

با پیشرفت علم ایمنولوژی این فرضیه قوت گرفت که شاید بتوان از حیوانات به عنوان منبع همیشگی برای تأمین عضو استفاده کرد اصطلاح xenotransplantation ریشه یونانی دارد و به انتقال عضو انساج و حجات از گونه ای به گونه دیگر اطلاق می‌شود.

استفاده از جمجمه سنگ برای ترمیم استخوان آسیب دیده جمجمه یک، مریض استفاده از کلیه خرگوش برای یک کودک مبتلا به نارسایی کلیوی پیوند کلیه شامپانزه به یک مریض دریافت جگر پانکراس خوک توسط یک مریض و غیره نمونه هایی از پیوند عضو حیوان به انسان به شمار می‌روند (Peki, 1991, p. 223).

با توجه به تکثیر سریع و فراوانی خوک‌ها و شباهت انتی جن‌های سطحی جگرهای خوک و انسان به نظر می‌رسد این حیوان بهترین گزینه برای پیوند عضو باشد. تحقیقات دانشمندان نشان می‌دهد که قلب خوک بهترین جایگزین برای قلب انسان است؛ زیرا دریچه قلب خوک شباهت زیادی به دریچه قلب انسان دارد. به تازگی نیز توجه داکتران به استفاده از کبد این حیوان برای پیوند به انسان جلب شده است. (حیدری، ۱۳۷۹، ص. ۱۷۸).

۱. توجیه انتقال عضو حیوان به انسان

دلایلی که می‌تواند توجیه‌کننده انتقال عضو حیوان به انسان باشد، می‌توان چنین برشمرد:

✓ محدود بودن اعضای انسانی قابل پیوند.

✓ انتظار طولانی مدت مریضان برای دریافت عضو انسانی و آسیب‌های جبران ناپذیر آن .

✓ محدود نبودن اعضای حیوانات.

✓ امکان دستکاری ژنتیکی حیوانات برای ساخت حجره های مورد نیاز.

✓ جلوگیری از قاچاق عضو و سوء استفاده مالی (با توجه به نیاز شدید برخی از بیماران).

۲. پیوند عضو حیوان به انسان و چالش های طبی

کمترین ایراد به عمل پیوند عضو حیوان به انسان وارد است به این دلیل که در این نوع منبع تأمین عضو انسان زنده نیست که مانعی به نام اضرار به جسم مطرح باشد و همچنین منبع آن انسان مرده نمی باشد که بهره برداری از اعضای وی موجب هتک حرمت میت شود اما ممکن است بر انجام چنین پیوندی اشکالاتی به شرح ذیل گرفته شود:

۲.۱. سازگار نبودن نسوجی عضو پیوندی یکی از چالش های موجود پس زدن سریع عضو یا همان پدیده پرنایدن به دلیل تفاوت در جن ها حیوان با انسان می باشد که در فرض مسأله سرعت و شدت بیش تری داشته است و باعث نپذیرفتن عضو حیوان می شود.

۲.۲. انتقال مریضی از حیوان به انسان احتمال انتقال میکرو ارگانیسم ها مانند بسیاری از ویروس های حیوانی پس از پیوند عضو وجود دارد. بسیاری از این عوامل باعث ایجاد مریضی در حیوانات نمی شوند؛ اما برای انسان هاساری هستند. همچنین احتمال دارد که ویروس هایی ناشناخته در بدن حیوانات وجود داشته باشند؛ ولی انسان از ماهیت و آثار آنها آگاهی و دانشی نداشته باشد (Peki, 2003, p. 70).

۲.۳. تسری ویروس های منتقل شده: پیوند عضو حیوان به انسان با ترس فزاینده ای همراه است؛ ترس از آن که ویروس موجود در بدن حیوان به مریض انتقال یابد، سپس از او به دیگران سرایت کند و باعث بروز امراض فراگیر شود.

۳. اقدامات انجام شده برای حل چالش های پیوند عضو حیوان به انسان

مطالعات و آزمایش های طبی برای مقابله با این مشکلات به برطرف کردن این موانع متمرکز شده است. اقدامات انجام شده عبارت است از:

۳.۱. با ساخت دواهای به نام «سیلکوسپورین»، مشکل برانیدن عضو تا حدی رفع شده هرچند هزینه استفاده از آن بسیار بالاست.

۳.۲. یکی از تکنیک هایی که در زمینه پیوند عضو حیوان به انسان امیدوار کننده بوده و تا حد زیادی خطرات و نگرانی ها درباره آن را کاهش داده است. توسعه انجینیری جنتیک خوک ها می باشد. در این روش سعی شده است جن های انسانی درجن خوک وارد شود و به دنبال آن مسأله پس زدن بافت پیوندی برطرف گردد. نتیجه کار به این شکل است که حجره های

بنیادی انسان به جنین خوک تزریق می‌گردد و موجودی هیبریدی به نام شیمز ایجاد می‌شود که تلفیقی از انسان و حیوان است. با افزودن حجره های بنیادی این حجره ها شروع به ساخت عضوی خاص می‌کنند که در نهایت این عضو جدید می‌تواند برای عمل پیوند عضو در انسان استفاده شود. دانشمندان می‌خواهند با این روش به هدف خود که ایجاد قلب کبد یا سایر اندام‌ها برای پیوند به انسان است، دست یابند (Peki, 2003, p. 93).

با به کارگیری چنین روش‌هایی می‌توان امیدوار بود، که دیگر مشکلات احتمالی موجود در پیوند عضو حیوان به انسان نیز به مدد پیش‌رفت روز افزون علوم طبی بر طرف گردد و به مرور زمان تمامی موانع برداشته شود.

د: پیوند عضو حیوان به انسان از منظر اعتقادی

موضوعی که از لحاظ عقیدتی بیشتر سبب اختلاف در مورد پیوند اعضاء می‌گردد موضوع عقیده حشر جسمانی است، (مسئولیت اخروی این اعضاء و شهادت آن در روز قیامت می‌باشد. در بین علماء در مورد حشر که در روز قیامت انسان‌ها برای حساب دهی یکجا جمع می‌شوند اختلافی وجود ندارد. اما چگونگی این موضوع بین علماء اختلاف نظر وجود دارد. نظریات یک طرف اما این‌که انسان در روز قیامت روحا و جسما مورد محاسبه قرار می‌گیرد یک موضوع قبول شده است و خداوند جل جلاله در این مورد چنین می‌فرماید: **اَلْیَسْبُ الْإِنْسَانُ اَلَّذِیْ تَجْمَعُ عِظَامُهُ (۳)** **بَلٰی قَادِرٍ عَلٰی اَنْ تُسَوِّیَ بَیْنَهُمَا (۴-۳)**. «آیا انسان گمان می‌کند که ما هرگز استخوان‌هایش را جمع نخواهیم کرد؟ آری؛ (استخوان‌هایش را جمع خواهیم کرد). در حالی‌که قادریم سر انگشتانش را مرتب کنیم». به این موضوع اشاره و جلب توجه نموده است. هرچند کم هم باشد ایمان به آخرت سبب شده تا در مورد موضوع پیوند اعضاء تردیدی ایجاد نماید (Ekşi, 2014, p. 394).

ه: پیوند عضو حیوان به انسان از منظر فقهی

برای این‌که پیوند اعضاء انسان به انسان قابل تطبیق است پیوند اعضاء حیوان نیز به انسان ممکن می‌باشد. بناءً این موضوع در بین علماء اسلام نیز از منظر عقیدتی، فقهی و اخلاقی یک موضوع اختلافی است. پیوند اعضای حیواناتی که خوردن گوشت آن برای انسان جایز است در پیوند اعضاء چنین حیوان به انسان نیز اشکالی ندارد (Kara, 2014, p. 107).

از منظر دین مبین اسلام، موضوع انتقال و یا پیوند اعضای حیوان به انسان، هم از لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ فقهی تحت بررسی قرار گرفته شده است. تداولی شدن با مواد حرام و نجس از فقهاء متقدم که مستقیماً در آیه های ۱۷۳، سوره بقره، ۳، سوره مائده و ۱۱۹، سوره

انعام، در محور قاعدهٔ ضرورت بررسی نشده، بین خورد و نوش مواد نجس و پیوند آن فرق قایل شدند. به طور مثال: علی الرغم حرمت گوشت خوک، به خوردن آن در حالات اضطرار اجازه داده شده است، پیوند اعضای این حیوان و حیوانات مشابه آن به انسان در بین فقهاء اختلافی است. در مذهب احناف اعضای خوک بخاطر خبائثات و اعضای انسان برای کرامتش به پیوندش اجازه داده نشده اما پیوند اعضای مابقی حیوانات جایز می‌باشد (İNCE, 2007, p. 35). در مذهب شافعی پیوند اعضای تمامی حیوانات به انسان، در حالت ضرورت برای تداوی انسان جواز داده شده است. سبب اختلاف علماء متقدم در این مورد این است که در زمان‌های قدیم علم طبابت به اندازه عصر حاضر چندان پیشرفتی نداشت و بناء اکثریت چنین عملیه‌ها نیز یا بی‌نتیجه و یا هم با خطرات بزرگی مواجه بود می‌باشد. اما در عصر حاضر با در نظر داشت تطورات در عرصه طبابت و مؤفقیت‌های به‌دست آمده در این عرصه به جواز پیوند اعضای هر نوع حیوانات به انسان در حالات ضرورت فتوا داده شده است (İNCE, 2007, p. 34).

در پهلوی این‌که در این مورد فقهاء اتفاق نظر ندارند، با آن هم با گذاشته شدن بعضی اساسات و نظریات این امر جایز می‌باشد:

۱. **ضرورت تداوی:** اصول اساسی در اسلام در این مورد، گرچند حرمت یک چیز ثابت هم باشد در حالت ضرورت؛ موجودیت خطرات جانی، مریضی مهلک و تلف عضو (جصاص، بی‌تا، ج ۱، ص. ۱۵۸)، به استفاده آن اشیاء جواز داده شده است (جصاص، بی‌تا، ج ۱، ص. ۱۵۴). بر مبنای قاعده [الضرورات تبیح المحظورات] به نظر می‌رسد مفاد دلایل لفظی و ادله اجتهادی بر لزوم حفظ جان آدمی و در نتیجه امکان استفاده از روش‌های نوین در پیوند اعضا از جمله پیوند عضو حیوان به انسان اقتضا می‌کند؛ چرا که اطلاعات و عمومات ادله بر اهمیت و ارزش حفظ جان آدمی دلالت دارند. دلیل این مطلب علاوه بر حکم عقل و ادله عام و خاصی می‌باشد که در این باره نقل شده است. در این مورد خداوند جل جلاله نیز چنین می‌فرماید: «هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است» (المائدة، ۳۲). در حقیقت زنده داشتن نفس، نجات دادن وی از غرق، یا از آتش سوزی، از زیر آوار و یا از ورطه نابودی است. بناء کسانی که در حالت هلاکت است و تنها راه نجات آن هم عملیه پیوند اعضا باشد چاره دیگری جزء همین کار نباشد به اساس قاعده «الضرورات تبیح المحظورات». یعنی حالات اضطرار و ضرورت اشیای ممنوع را مباح می‌گرداند، چنین عملیه به اولویت جایز خواهد بود. زیرا علوم طبی معاصر ثابت ساخته است که با این عملیه‌ای پیوند اعضا انسان در محور اسباب از ورطه مرگ نجات می‌یابد.

همچنان به اساس {الاصل اباحه} در مشروعیت نداشتن چنین پیوندی، اصل اباحه و براءت اقتضای جواز چنین عملی را خواهد داشت. همچنین در این زمینه می‌توان به مدلول اصل ضرورت نیز استناد کرده زیرا تردیدی نیست که ضرورت داشتن می‌تواند سبب جایز شدن کاری شود که بدون آن و در شرایط عادی جایز نیست (Çalış, 2004, p. 74). پیوند عضو حیوان به انسان نیز ضرورتی است که با عنایت به کمبود اعضای پیوندی انجام آن لازم به نظر می‌رسد.

در نتیجه پیوند عضو حیوان به انسان در شرایط و حالات خاص حرام نیست؛ اگر چه نیازمند کشتن و ذبح حیوان باشد؛ زیرا ذبح و کشتن حیوانات در صورت نیاز جایز می‌باشد و خداوند جل جلاله آنچه را در زمین است برای انسان و در خدمت وی آفریده است. هنگامی که ذبح یا کشتن حیوان برای خوردن یا برای استفاده از پوست آن جایز است، استفاده از عضو آن نیز برای تدای جایز خواهد بود. اگر تا دیروز اعضای بدن برخی حیوانات استفاده‌ای جز خوردن نداشته و به همین سبب حکم به حرمت گوشت آنها داده شده است. امروزه موضوع تبدیل واقعی یافته و به تبع حکمی که بر این موضوع باز می‌شود نیز متفاوت شده است. بی جهت نیست که اغلب فقهاء معاصر به جواز استفاده از حیوان در امر پیوند اعضا حکم داده اند. برخی نیز جواز استفاده از حیوان نجس العین را منوط به اضطرار مریض کرده اند (Peki, 1991, p. 90).

۲. نوع حیوان و شرایط آن: پیوند عضو حیوانی که به انسان انتقال می‌یابد نوع، حلال و حرام بودن آن از منظر دین مبین اسلام مهم است. در توضیح مطلب باید گفت صحت برخی از اعمال دینی منوط به وجود شرایطی است؛ از جمله این که در نماز شرط است که لباس نمازگزار از اجزای مردار و حیوان حرام گوشت نباشد؛ چراکه وجود این نجاست در بدن و لباس انسان موجب بطلان نماز خواهد شد (Peki, 1991, p. 92). ناگفته پیداست این اشکال درباره حیوانات حلال گوشتی که ذبح شرعی شده باشند، ایجاد نخواهد شد.

همچنین باید توجه داشت که از میان تمامی حیوانات تنها سنگ و خوک نجس العین هستند. طبق نظر مشهور فقهاء تمامی اعضای این دو حیوان نجس می‌باشند؛ حتی اجزایی که فاقد حیات هستند؛ از قبیل: ناخن مو و دندان (جصاص، بی‌تا، ج ۱، ص. ۱۵۲). بنابراین اگر عضو پیوندی از اعضای حیوان نجس العین باشد اشکالی که شاید مشاهده شود این است که پیوند آن عضو موجب نجس شدن بدن و در نتیجه بطلان برخی از اعمال شرعی مانند نماز می‌شود. همچنین عضو جدا شده از حیوانات حلال گوشتی که ذبح شرعی نشده اند میتة محسوب می‌شود و نجس است. اما قسمی که در بالا نیز تذکر یافت در حالات ضرورت به این کار نیز

کرها جایز بوده و در صورت عدم تداوی مرضی به جز از این راه دیگر به این عملیه نیز فتوای جواز داده شده است (Ekşi, 2014, P. 394).

۳. **اساس متضرر نشدن انسان:** اساس دیگری که در اثنای پیوند اعضا باید در آن توجه صورت گیرد این است که از این عملیه نباید سلامتی انسان آسیب دید. بعداً از پیوند و یا در آن پیوند خطری و یا تأثیری نباید متوجه صحت انسان باشد. زیرا مقصد از این عملیه در اصل حفاظت از تلف شدن جان و یا اعضای انسان بوده و در صورت متوجه شدن ضرر به انسان این مقصد بر طرف و هیچ مصلحتی از این کار به دست نخواهد آمد. هم‌چنان حفظ جان که یکی از مقاصد اصلیه‌ی شرعیت است و در صورت وارد شدن خطر به انسان، خلاف این مقصد بوده و در حقیقت جواز این کار نیز با سؤالاتی مواجه خواهد شد.

در این بحث و در جواز این موضوع رول اساسی را تطور و مطالعات طبی روز تشکیل می‌دهد. فقهاء اسلام، در اثنای بررسی چنین موضوعات تطورات طبی و تحقیقات در این عرصه را در نظر می‌گیرد (Çalış, 2004, p. 45).

و: پیوند عضو حیوان به انسان از منظر اخلاقی

از لحاظ اخلاقی نه تنها در این زمینه ممنوعیتی احساس نمی‌شود؛ بلکه به لحاظ ارزشهای اخلاقی فوق العاده این عمل در راستای حفظ حیات آدمی به عنوان اشرف مخلوقات و هم‌چنین به اقتضای اعطای کرامت ذاتی به انسان در آیه: {وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَرْدِ وَالْبَحْرِ وَرَفَعْنَاهُمْ مِنَ الْعِلْيَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا فَضِيلًا}. (اسراء، ۷۰). «ما آدمی‌زادگان را گرمی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهرو) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم برتری بخشیدیم». انجام چنین پیوندی مطلوب و شاید بتوان گفت لازم و ضروری است؛ زیرا طبق تعالیم دینی نجات یک انسان معادل نجات همه انسان هاست. خداوند در آیه: {وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا} (المائده، ۳۲). «هر کس به یک نفر زندگی بخشد گویا به تمام بشریت زندگی بخشیده است». فرموده است.

همزمان یکی از ارزش‌های اسلام به انسان اعطا نموده، رخصت‌های حقوقی است که قرار ذیل می‌باشد:

✓ مباح شدن در حالت ضرورت تمام محرماتی که در حالت عادی برایش حرام شده است.

✓ در حالت مشقت برای انسان اجازه داده شده که واجبات را ترک نماید.

✓ رخصت‌های نیز برای انسان داده است که در حالات اضطرار می‌تواند انسان با استفاده از آن در برابر واجبات تصرف داشته باشد.

✓ اعمالی که در حالات عادی برای انسان حرام اما برای تداوی به اندازه ضرورت اجازه داده شده است (سیوطی، ۱۹۸۳، ص. ۷۵-۸۲).

تحقیق حاضر با توجه به سؤالات و فرضیه‌های مطرح شده و با تکیه بر تألیفات فقهاء و دانشمندان اسلامی و اسلام شناسان مطرح جهان بیان‌گر نتایج قناعت بخش است. در این بخش با مرور مطالب پیشین و تحلیل از منابع مؤثق، نتایجی به دست آمد که پیوند اعضاء یک موضوع مهم و اساسی و ضرورت اجتماعی روز بوده و در صورت اجرای این عملیه بر بالای مریضان مبتلا یک راه حل مناسبی است برای دوام سلامتی ایشان.

مناقشه

طوری که دیده شد، پیوند اعضای حیوان به انسان، گزینه مناسبی بوده، نه در قرآن کریم، نه در احادیث نبوی و نه هم در کتب فقهی برای اجرای این عملیه کدام مانعی جدی وجود ندارد. انسان می‌تواند با اندک غور و تفکر بر بالای آن متیقن شود؛ تا با اطمینان قلبی برای انجام آن اقدام نموده از مشکلات پیش آمده رهائی یابد.

در این تحقیق تلاش شده است تا اهمیت، جایگاه و احکام پیوند اعضای حیوان بر انسان با دلایل قرآنی، احادیث گهربار نبوی صلی الله علیه وسلم، اجتهاد فقهاء و نظریات محققین نموده، دیدگاه علماء را بر این امر مهم جلب نماید، تا این که این عملیه حیاتی انجام شود از سوی دیگر مخاطبین این آن را با آرامش خاطر انجام دهد و در ذهن سوالات مختلفی ایجاد نگردد.

در حقیقت آثار و کتبی که علمای اسلام، فقهاء و دانشمندان اسلامی نگاشته‌اند، هر چند به گونه متفرق نیز باشد از بزرگ‌ترین سرمایه دینی و علمی به حساب می‌آید و به گونه احسن موضوع را تشریح می‌نماید. نتایج حاصله این تحقیق با تحقیقات صدیقه حاتمی و راضیه امینی تحت عنوان پیوند عضو حیوان به انسان از منظر فقه و حقوق پزشکی (۱۳۹۶) که از منظر فقه جعفری نگاشته شده است، متفاوت می‌باشد؛ چونکه این تحقیق از نظر اهل سنت و با در نظر داشت نظریات آنان انجام یافته است.

نتیجه گیری

موضوع پیوند اعضای حیوان به انسان، وابسته به حالات و وضعیت در اسلام فرق می‌کند که در این مورد میزان ضرورت، انواع حیوانات، خطرات ناشی از این عملیه و تطورات طبی را باید در نظر گرفت. در این موضوع علماء نیز نظریات مختلف دارند. این نظریات نیز نسبت به پیشرفت های علوم طبی و تحقیقات انجام یافته در این عرصه تفاوت عرض می‌نماید. طبق تحقیق و بررسی حاضر نتایج زیر به دست خواهد آمد.

۱. از منظر علوم طب، پیوند عضو حیوان به انسان، با مشکلات و دشواری‌هایی روبروست؛ اما مطالعات و آزمایش‌های اخیر دانشمندان توانسته است تا حدودی این مشکلات را رفع کند. می‌توان امیدوار بود که دیگر مشکلات احتمالی موجود نیز به مدد پیشرفت روزافزون علوم طبی برطرف گردد و به مرور زمان تمامی موانع موجود برداشته شود.

۲. پیوند عضو حیوان به انسان از نظر فقهی نیز فاقد اشکال به نظر می‌رسد. مدلول قاعده اضطرار و مرتبط بودن بسیاری از مصادیق پیوند با اعضای درونی بدن انسان اقتضای صحت و مشروعیت چنین امری را دارد. از بُعد فقهی نیز، اگرچه نص صریحی در جواز داشتن یا نداشتن پیوند عضو حیوان به انسان به وجود ندارد؛ اما اجتهاد اساسات مجتهدین کرام که با در نظر داشت قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه و سلم به میان گذاشتند و حفاظت جان که تداوی هم جزء آن را تشکیل می‌دهنده آنست، به مقصد تداوی بدون پیوند اعضاء غیر ممکن باشد به این عمل با در نظر داشت نقاط خاص که در بالا اشاره گردید اجازه داده خواهد شد.

۳. پیوند عضو حیوان به انسان از منظر اخلاقی نیز اشکالی ندارد و مطلوب و رایج است؛ زیرا که این عمل، برای صیانت از کرامت ذاتی انسان و حفظ جان آن انجام می‌شود.

پیشنهاد می‌شود تا برای بررسی عمیق تر این موضوع، تحقیقات گسترده تری انجام شود و همایشی کشوری یا بین‌المللی نیز با همین عنوان بررسی همه جانبه این پدیده نو ظهور را به عهده گیرد.

منابع و مأخذ

القرآن الکریم

جصاص، ابوبکر احمد الرازی. (بی تا). *احکام القرآن*. پشاور: المكتبة الحقانیة.

حیدری، امان الله. (۱۳۷۹). *چکیده ی جراحی قلب*. تهران: آذر مهر.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۹۸۳). *الاشباه والنظائر*. بیروت: دارالتب العلمیه.

فیروز آبادی، مجد الدین محمد بن یعقوب. (۱۹۹۸). *القاموس المحيط*. بی جا: مؤسسه الرساله.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۲). *رساله توضیح المسایل*. قم: بوستان کتاب.

Ekşi, A. (2014). *İslam Hukuku Bakımından Organ Nakli Etrafındaki Tartışmalar*) İHYA. Malatya.

Çalış. H. (2004). *İslamda kolaylaştırma ilkesi*. Konya.

İNCE, N. (2007). “Organ Nakli”. *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*. 33: 373-375. İstanbul: TDV Yayınları.

Peki. A. (1991). *Organ Nakli*. Kayseri.

Kara, Z. (2014). “Organ Nakli mi Kimlik Transferi Mi”. Malatya: Hayat Vakfı.